

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره مبارکه تین، ۲۳ ماه مبارک رمضان

معرفی اجمالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ (۱)

وَطُورِ سِينِينَ (۲)

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴)

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۵)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۶)

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ (۷)

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَكَمِينَ (۸)

سوره تین با سوگند شروع می‌شود. سه آیه ابتدایی چند قسم را مطرح می‌کند. تین به معنی انجیر همین یک بار در قرآن آمده است. فکر می‌کنم زیتون ۷ بار در قرآن آمده است.

انجیر و زیتون به لحاظ گیاه شناسی خاص هستند.

طور سینا کوهی در منطقه سینا هست که به حضرت موسی علیه السلام وحی نازل شد.

بلد الامین، سرزمین امن یا سرزمین امانت دار که اشاره به مکه مکرمه است.

این قسم‌ها، قسم به درخت‌ها و اقلیم‌ها هست. البته برخی می‌گویند تین و زیتون اشاره به منطقه تین و زیتون

یعنی فلسطین است، طور سینا هم مصر هست و هذا البلد امین هم مکه هست. اگر اینطور باشد آیه اول به

سرزمینی که به حضرت عیسی (ع) وحی شده اشاره می‌کند، آیه دوم به سرزمینی که به حضرت موسی (ع) وحی

شده و آیه سوم به سرزمینی که به پیامبر اکرم (ص) وحی شده اشاره می‌کند.

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

بعد از این قسم‌ها خدا می‌فرماید همانا ما انسان را به نیکوترین حالت قوام بخشی خلق کردیم.

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ

سپس او را رد کردیم، پایین آوردیم به پست ترین درجه. سفلی ترین و پایین ترین سطح. انسان را که به لحاظ

رشد به نیکوترین حالت ممکن است، در پایین ترین و پست ترین درجه قرار دادیم تا از این توان رشدش استفاده

کند.

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

به جز کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند که اجر تمام نشدنی دارند. به جز این عده، بقیه رد بر

اسفل السافلین شدند.

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ

با وجود چنین دینی که انسان‌ها را از پایین‌ترین درجه به نهایت رشد می‌رساند، چطور

امکان تکذیب تو (پیامبر(ص)) وجود دارد؟

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ

آیا خدا محکم‌ترین حاکم کنندگان نیست؟

ساختار کلی سوره به این صورت است که به میوه‌ها و درخت‌هایی و سرزمین‌هایی سوگند خورده شده که مفهوم و یادآور فضاهای سختی در آنها دیده می‌شود؛ انجیر و زیتون میوه‌هایی هستند که می‌توانند با محیط‌های مختلفی سازگار شوند و رشد کنند. مردم هم در سرزمین طور سینا و مکه خود را با شرایط خاص آنجا سازگار کرده‌اند تا بتوانند در آنجا زندگی کنند.

بعد از گفتن چنین مفاهیمی آیه می‌گوید انسان در احسن تقویم و با بهترین حالت قوام بخشی خلق شده است. بعد در پایین‌ترین درجه قرار گرفته تا رشد کند و بالا بیاید به جز کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام دادند.

عده خاصی هستند که انگار به این پایین درجه نیامدند که اینها می‌توانند الگو باشند تا انسان‌های دیگر به سمت آنها بروند. نشان می‌دهد که انسان برای اینکه از این پایین‌ترین درجه رشد کند، باید از ایمان و عمل صالح بهره ببرد. در آیه بعد این شرایط را دین معرفی می‌کند. دین، برنامه‌ای که انسان می‌تواند با ایمان و انجام عمل صالح به بالاترین درجه برسد هست که نتیجه آن پاداش بی‌انتهاست یعنی انسان به واسطه عمل محدودی که در دنیا انجام می‌دهد، پاداش نامحدودی بدست می‌آورد. دین، محدود را به نامحدود تبدیل می‌کند. بعد می‌فرماید با وجود چنین دینی چگونه می‌توان پیامبر را تکذیب کرد؟ و بدیهی هست که خدا محکم‌ترین حکم کنندگان است. خدایی که دین را اینطور طراحی و حکم کرده این اتفاق باشکوه بیفتد، بهترین حکم کنندگان است.

ارائه سوره به بچه‌های دبستانی

در این سوره بحث رشد، سازگاری و پایداری مطرح هست، ما این را برای بچه‌ها مطرح می‌کنیم که انسان باید در هر شرایطی رشد کند و به یک ثباتی برسد. اینکه انسان باید خودش را در موقعیت‌های مختلفی که قرار می‌گیرد، هماهنگ کند و از آن موقعیت‌ها بهره ببرد تا به کمال خودش برسد. سوره تین، سوره سازگار شدن با شرایط مختلف زندگی است، را با یک سیر به بچه‌ها منتقل می‌کنیم:

اول راجع به موجوداتی که فایده و خواصی دارند صحبت می‌کنیم مانند انجیر و زیتون

بعد در مورد انواع اقلیم‌ها و اینکه گیاهان و حیوانات با آن اقلیم سازگار شده اند، صحبت می‌کنیم.

بعد انسان را مطرح می‌کنیم که با شرایط زندگی اش سازگار شده و عجایب آفرینش انسان که این سازگاری را به ارمغان می‌آورد صحبت می‌کنیم.

بعد نشان می‌دهیم آن حقیقتی که انسان را واقعا به پایداری می‌رساند، حقیقت وحی است.

بعد راجع به نعمت‌ها و بعد در مورد الگوگیری از طبیعت یا بهره مندی از عقل و شرع تا زندگی اش را به شرایط پایدار برساند.

به واسطه سوره تین برای بچه‌ها، استفاده کردن از امکانات مختلف زندگی برای رشد کردن و به کمال رسیدن را یاد می‌دهیم. انسان در هر جا و موقعیتی که زندگی می‌کند، امکانات و نعمت‌هایی دارد، باید از اینها استفاده کند برای اینکه به رشد و کمال برسد.

تدبر در سوره

وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ

تین و زیتون اشاره به دو میوه یا دو درخت دارد.

وَطُورِ سَيْنِينَ

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ

سوره با سه قسم آغاز می‌شود که سیر این قسم‌ها جالب است؛ با این قسم‌ها انگار خدا سه سرزمین را معرفی می‌کند، سرزمین حضرت عیسی (ع) که سرزمینی پر از زیتون و انجیر بود، طور سینا که سرزمین حضرت موسی (ع) بود و مکه که سرزمین حضرت محمد (ص) بود.

نکته جالب این است که اولین سرزمین را با مولفه‌های کاملاً عینی و محسوس یعنی با پوشش گیاهی‌اش معرفی می‌کند. شما می‌توانید انجیر و زیتون را بخورید. عینی و کاملاً ملموس هستند برای انسان.

سرزمین بعدی را با نامش معرفی می‌کند؛ طور سینا. یک مقدار از شکل عینی و حسی فاصله می‌گیرد.

و سومین سرزمین که مکه است، حتی اسمش هم گفته نمی‌شود؛ بلد بودن و امین بودنش مطرح می‌شود؛ به سمت عقلی بودن پیش می‌رود. در این قسم‌ها یک سیر از حسی به عقلی دارند. یعنی یک معرفی حسی، یک معرفی وهمی، یک معرفی عقلی می‌کند.

سرزمینی که امانتدار است؛ اگر انسان بخواهد درک کند سرزمینی امانتدار است، باید گزاره‌هایی در ذهنش داشته باشد؛ در این آیات انسان از محسوس به معقول سوق داده می‌شود.

ویژگی ماندگاری و سازگاری در این میوه‌ها و اقلیم‌ها خیلی موضوعیت دارد.

مکه سرزمینی نیست که بتوان در آن به راحتی زندگی کرد؛ به قول حضرت ابراهیم آنجا واد غیر ذی زرع است، حتی آب هم نبود. بیایانی که اطرافش صخره‌ای هست. بعداً در آنجا به برکت وجود خانواده حضرت ابراهیم، دارای

آب شد و زمزم جوشید؛ تا قبل از آن امکانات خاصی وجود نداشت؛ در چنین سرزمینی سازگاری برای زندگی در آنجا موضوعیت دارد.

در طور سینا هم ماجرای میقات و وعده ملاقات با خدا موضوعیت دارد.

انجیر و زیتون هم به شکل خاصی ویژگی پایداری و سازگاری را دارند. امکان پایداریشان در محیط زیاد است و می‌توانند خود را با شرایط مختلف هماهنگ کنند.

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

در این آیه یک قانون مطرح می‌شود؛ خدا می‌فرماید ما انسان را در احسن تقویم خلق کردیم؛ بستر خلقت انسان را احسن تقویم معرفی می‌کند.

تقویم از ریشه قَوَم، ریشه کلمات قوام و قیام نیز است؛ قیام به معنای ایستادن است، مقابل قعود، نشستن است. قوام، یعنی حفظ کردن ایستادگی و استواری؛

ریشه کلمات می‌تواند به باب‌های مختلفی بروند مانند افعال و تفعیل. این دو باب فعل را متعدی می‌کنند. علم یعنی آگاهی. در باب افعال می‌شود، اعلام یعنی علم دادن، تعلیم هم یعنی علم دادن. اعلام، علم دادن یک دفعی است مثلاً یک دفعه اعلام می‌کنم که کلاس ساعت ۱۱/۳۰ شروع می‌شود ولی تعلیم، تدریجی است. در اعلام، فاعل مهم است ولی در تعلیم، مفعول مهم است، چیزی که علم داده می‌شود مفصل است. ریشه‌های دیگر هم همینگونه است.

از ریشه قَوْمَ یک اقامه در باب افعال داریم و یک تقویم در باب تفعیل.

اقامه یعنی به پا کردن، بلند کردن و سر پا کردن و تقویم هم به همین معناست با تفاوتی؛ اقامه یعنی بلند کردن که یک دفعه اتفاق می‌افتد مثلاً یک نفر نشسته می‌گوید دستت را بده من، یا علی! یک دفعه بلندش می‌کند.

تقویم روی فرآیند این بلند کردن تاکید دارد؛ مثل اینکه برنامه ریزی کنیم تا یک

گیاهی قیام پیدا کند و رشد کند؛ تقویم بیشتر شبیه به رشد است؛ فرآیند استحکام بخشی و سرپا کردن است.

خداوند انسان را در تقویم خلق کرده یعنی در فرآیند رشد خلق کرده؛ البته همه موجودات این ویژگی را دارند، در یک بستر رشد و رفتن به سمت قیام خلق شده‌اند اما خداوند انسان را در احسن تقویم خلق کرده است؛ یعنی زیباترین و خوش جلوه ترین حالت تقویم و قیام بخشی. این شرایط رشد کردن و بالندگی انسان از همه زیباتر است.

این قانون مانند لقد خلقنا الانسان فی کبد است. همانطور که انسان در سختی خلق شده تا رشد کند، انسان باید بداند که رشد و فرآیند قوام بخشی اش زیباترین حالت ممکن است. لوبیا را دیدید چقدر زیبا رشد می‌کند؟ یک جوجه چقدر قشنگ از تخم مرغ بیرون می‌آید؟ یک پروانه چقدر قشنگ رشد می‌کند؟ رشد انسان از همه زیباتر است هم رشد مادی و جسمی انسان و هم رشد معنوی انسان خیلی با شکوه است. انسان از وقتی که به دنیا می‌آید و هیچی نمی‌داند، خداوند سمع و بصر و فواد داده تا به وسیله اینها رشد پیدا کند.

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ

ثُمَّ، در مرحله بعد. مرحله قبل این بود که در زیباترین حالت قوام بخشی خلق شده، سپس او را به پست ترین درجه رد کردیم؛ سفلی یعنی پایینی، پستی، چیزی که نسبت به چیزهای دیگر در مرتبه پایین قرار دارد. اسفل بر وزن افعال. اسفل السافلین یعنی پایین ترین که از آن پایین تر نیست. انسان خلق شده در احسن تقویم را خداوند به پایین ترین درجه رد کرد؛ چرا؟ باید موقعیتی فراهم شود تا این خلقت احسن قیام بخشی به بروز دربیاید. خدا انسان را پایین پایین پایین می‌برد تا انسان خودش را به بالا و بالندگی برساند و رشد دهد و رشد خود را نشان دهد. مانند گیاهی که در هر باتلاق و شوره زاری هم رشد می‌کند و خودش را بالا می‌کشد و خودش را از آن فضا نجات می‌دهد. در روایات در مورد اسفل السافلین مطالبی گفته شده، ظاهراً اسفل السافلین دنیا است. دنیا

پایین ترین درجه است. زمانی که فرشتگان از خدا می پرسند چرا انسانی خلق می کنی

که در زمین فساد می کند و خون می ریزد، خدا می فرماید من چیزی می دانم که شما نمی دانید. در واقع خدا احسن تقویم را می خواهد نشان دهد. ببینید او از این جا رشد می کند و می آید بیرون.

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

ممنون یعنی محدود؛ چیزی که حد دارد و تمام می شود؛ غیر ممنون یعنی بدون حد، بی انتها؛ اجر غیرممنون یعنی پاداش بی انتهایی که تمام نمی شود، ادامه دارد. این آیه اگر به آن توجه شود، نکات جالبی دارد. بسیار با شکوه و افتخار آمیز است. یک سری شبهات هم در این زمینه مطرح می کنند.

تا اینجا گفتیم که خدا انسان را در احسن تقویم خلق کرده و او را به اسفل السافلین آورده تا نشان دهد که چقدر قشنگ رشد می کند. منتها رد به اسفل السافلین برای برخی اتفاق نیفتاده است. الذین آمنوا و عملوا الصالحات به نظر می رسد که معصومین هستند یعنی انبیا و ۱۴ معصوم هستند. بزرگانی که از ابتدا ایمان و عمل صالح در آن ها نهادینه بوده است. حضرت عیسی (ع) وقتی که در رحم مادر بودند، با مادرشان صحبت می کردند. نوزاد تازه متولد شده با مردم صحبت می کند و می گوید انا عبدالله اتانی الکتاب. چرا اینها رد به اسفل السافلین نشدند؟ انسان برای رشد نیاز به الگو دارد. کسانی را خدا آن بالا اسوه قرار داده تا به سمت آن بروید. به قول قرآن آن ها شاهد هستند. در بچه های دبیرستانی خیلی سوال پیش می آید که چرا آنها از اول عصمت داشتند؟ عدالت خدا چه می شود؟ آنها از اول سطحشان از انسان های دیگر بالاتر بوده است. برای بچه های دبیرستانی مثالی می زدیم، فرض کنید معلمی از همان ابتدای سال تشخیص می دهد که شاگرد اول هایش چه کسانی هستند، از همان اول دو سه نفر از شاگرد اول انتخاب می کند و به آنها می گوید من برای شما آموزش های اختصاصی می گذارم که توانمندی هایتان را بیشتر کنید و شما در عوض به بچه های دیگر کمک کنید. بچه ها ممکن است اعتراض کنند که اگر از این کلاس های اختصاصی اگر برای ما هم می گذاشتید ما هم شاگرد اول می شدیم در حالیکه اینگونه نبود. این کاری که معلم

می‌کند بیشتر به نفع شاگرد تنبل‌هاست تا شاگرد زرنگ‌ها. شاگرد زرنگ‌ها در واقع به

دردسر افتاده‌اند. کارکرد توان معصومین برای ما هست. اینها به واسطه شرح صدری و فقاقت قولی که خداوند به آنها داده، در خدمت بشر قرار گرفته‌اند و همه زندگی شان را صرف رشد بشر کرده‌اند. آنها یک دور به مقصد رسیده‌اند و دوباره برگشته‌اند تا یک دور با بقیه بروند. در مباحث سلوک این را می‌گویند. امکانات خاص آنها، به نفع دیگران است.

اسفل السافلین به نظر نمی‌آید کسانی گمراه شده باشند، به نظر می‌آید حالت عمومی‌تری را بیان می‌کند هر چند که انسان به طور کلی ظلوم جهول است تا این ظرفیتش پر شود.

نکته جالب این است که اگر فرض کنیم که خداوند انسان را در احسن تقویم خلق کرده، بعد رد به اسفل السافلین کرده تا نشان دهد این فرآیند رشد انسان چقدر با شکوه است بعد معصومین رد به اسفل السافلین نشده‌اند، شاهد این ماجرا هستند، الگو و اسوه‌اند. اگر اینطوری باشد آنی که قرار است زیبایی احسن تقویم را نشان دهد، ما هستیم نه آنها. می‌شود برای آلاء، مصادیق الذین آمنوا و عملوا الصالحات حالت‌های مختلفی فرض کرد.

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ

اگر همچنین برنامه‌ای هست که می‌تواند انسان را از اسفل السافلین به بالاترین سطح رشد برساند، ای پیامبر بعد از همچنین دینی چه کسی می‌تواند تو را تکذیب کند؟

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ

احکم الحاکمین است که این دین را طراحی کرده است.

خداوند حاکم است یعنی حکم می‌کند. همچنین حکیم است. حکم یعنی یک دستور محکم که تکلیف یک چیز را مشخص می‌کند. خدا که خالق است می‌داند مقصد و مسیر و امکانات چی هست و متناسب با اینها معلوم می‌کند

که از چی باید چه استفاده‌ای شود و روش استفاده را به ما می‌گوید. او حاکم است. ممکن است در زندگی حاکم‌های دیگری را هم ببینید او حکمرانترین حکمرانان است. کسی مانند خدا محکم حکم نمی‌کند.

یک انسان با یک امکاناتی رد به اسفل السافلین شده تا از آن‌ها استفاده کند. یکی از این امکانات توان سازگاریش هست. می‌تواند از اسفل السافلین رشد کند و جلوه احسن تقویم بودن را نشان دهد. آن چیزی که انسان را رشد می‌دهد، ایمان و عمل صالح است. چارچوب این را دین معین می‌کند. مجموعه‌ای از برنامه‌ها که به واسطه پذیرش آن به اجر و پاداش می‌رسید. دین را خدای احکم الحاکمین قرار داده است.

اگر از انتهای سوره نگاه کنیم، خدایی هست که به حکم دادن از همه محکم تر است و از همه قابل اعتمادتر هست. او یک برنامه‌ای به نام دین وضع کرده به نام ایمان و عمل صالح، اینها با خلقتی و امکاناتی که خدا برای انسان قرار داده، از لحاظ اقلیم و طعام و... می‌تواند انسان را به اوج شکوفایی برساند.

سوالات

✚ امام حسین (ع) در واقعه عاشورا زیبایی وجودی خودشان را نشان دادند چطور؟

امام حسین (ع) امام هستند و از ایشان غیر از این توقعی نداشتید ولی زیبایی اصلی را یاران امام که عصمت هم نداشتند نشان دادند مثلاً حبیب، زهیر یا جون. اینها نشان دادند که مثلاً غلام سیاهی می‌تواند به این درجه برسد. زهیر ظاهراً خیلی رابطه زیادی هم با امام نداشته، آدم‌های معمولی بودند.

✚ یعنی کسی که تلاش کرده به آن رسیده، مقامش بالاتر است؟

اصلا بحث مقام نیست. پدر و فرزندی را فرض کنید، پدر و فرزند تلاش می‌کنند یک کاری را انجام دهند. مقام پدر بیشتر از فرزند است، تلاش پدر هم بیشتر از فرزند است، نتیجه‌ای هم که می‌گیرد، بیشتر از فرزند است. منتها مال فرزند زیباتر است. از پدر توقع داشتی، زیبایی و جلوه احسن تقویم مد نظر است. من اصلا منظورم این نبوده که بگویم جلوه ما از جلوه سیدالشهدا بیشتر است. یا اینکه شرایط زندگی امام معصوم(ع) با ما فرق داشته است. آن‌ها هم مثل ما در سختی‌ها زندگی کرده‌اند. نکته‌ای که عرض کردم این بود که اینکه حضرت سیدالشهدا یک همچین زیبا آفرینی می‌کنند، خیلی باشکوه است و همه بزرگان به این مقام غبطه می‌خورند. اینکه یک آدم معمولی از اسفل سافلین سیر پیدا می‌کند و به کمال می‌رسد، زیبایی رشد انسان را بهتر نشان می‌دهد. ممکن است فرآیند رشد انسان را در سیدالشهدا درست نتوانید ببینید چون آن‌ها در گمراهی نبوده‌اند. خداوند در مورد پیامبر (ص) هم می‌فرماید الم یجدک یتیمًا فاوی و وجدک ضالًا فهدی... این گمراهی را ما نمی‌توانیم ببینیم. جنس این گمراهی با آنی که ما می‌شناسیم فرق دارد. مراحل رشد آن‌ها در این عوالم نبوده است. گمراهی پیامبر(ص)، احساس نیاز پیامبر(ص) به خداست یعنی هیچ کس به اندازه پیامبر(ص) فقر ذاتی خودش را درک نمی‌کند. اتفاقا ما باید رشد کنیم تا فقر ذاتی خودمان را درک کنیم. آن‌ها از ابتدا می‌دانستند که خیلی فقیر هستند.

ما فرآیند رشد را در آن‌ها نمی‌توانیم ببینیم که از پایین پایین شروع کردند و به کمال رسیدند. آن‌ها از نظر بشر بودن مثل ما هستند و سختی‌هایی که ما در زندگی می‌کشیم، را می‌کشند منتها به وحی متصلند و حقایق جلوی چشمانشان هست.

✚ در سوره جنس انسان مدنظر است؟

بله نوع انسان منظور است. انسان چون انسان است.

✚ آیا فقط خدا به همین دلایلی که گفتید این قسم‌ها را یاد کرده است؟

نه من نمی‌دانم. تدبر یعنی همین. تدبر کردن یعنی نیاز خودمان را از قرآن تامین می‌کنیم. به طور کلی هیچ آیه را با تدبر نمی‌توانیم بگوییم این یعنی فقط همین مگر امام معصوم(ع) بگوید که مفسر حقیقی قرآن هست. هر روزی که سوره را می‌خوانید به حقایق جدیدی دست پیدا می‌کنید.

✚ ارتباط سه آیه اول با آیات بعدی را بیشتر توضیح می‌دهید.

سه آیه ابتدایی فضاهایی را ترسیم می‌کند که سازگار و هماهنگ شدن به شرایط محیطی برای قوام و روی پا ماندن موثر است. بعدش می‌فرماید انسان در اسفل سافلین می‌تواند با استفاده از توان سازگاری با محیطش و نعمت‌هایی که خدا به او داده به حداکثر قوام برسد و این احسن تقویم را بروز دهد.

✚ کمال رشد کجاست؟

رشد بی نهایت است. می‌گویند هر صلواتی که می‌فرستید بر مقام پیامبر (ص) افزوده می‌شود، اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم. انتها ندارد. یک نقطه نیست که به آن برسی و تمام شود، صراط است، یک جهتی هست که هرچقدر بروی پایان ندارد.

اهداف تربیتی

سوره مبارکه تین سوره‌ای برای رسیدن به پایداری به واسطه سازگاری با شرایط مختلف زندگی است. بچه‌ها از سوره تین این را می‌فهمند که همه موجودات خواص و فایده‌هایی دارند. انسان می‌تواند براساس ویژگی‌هایش و استفاده از امکاناتش خیلی رشد کند و به مقاصد بالاتر برسد. پس ما در سوره تین فایده موجودات

و ویژگی‌های انسان را می‌گوییم. انسان با استفاده از خواص موجودات می‌تواند توانمندی‌های خود را به بروز برساند و رشد کند. این مفهوم را با یک سیر به بچه‌ها می‌گوییم.

پایه اول

شناخت خواص و فوائد مخلوقات و درسی که می‌توان از آنها گرفت

به بچه‌های کلاس اول از سوره تین می‌گوییم هرچیزی خاصیت و فایده‌ای دارد و این را به آن‌ها نشان می‌دهیم. آن‌ها را با برخی از خواص مخلوقاتی مثل میوه‌ها و گیاهان و موجودات دیگر آشنا می‌کنیم؛ می‌توانیم برای بیان این مفهوم به طور مشخص از زیتون و انجیر استفاده کنیم که هم مخلوقاتی پر خاصیت هستند و هم مطلوب بچه‌هاست. درختشان را ببینند، میوه‌اش را ببینند و با خواص آن‌ها آشنا شوند. حشرات و موجودات دیگر هر کدام خاصیت‌هایی دارند. گربه، موش را می‌گیرد، درختان اکسیژن تولید می‌کنند و...

نکته خانم سیفی

خوردن انجیر و زیتون حین آموزش سوره خیلی می‌تواند موثر باشد.

پایه دوم

شناخت انواع اقلیم‌های آب و هوایی و سازگاری موجودات و انسان با هر اقلیم

در این پایه برای آموزش سوره مبارکه تین، اقلیم‌های مختلف و نیز هماهنگی موجودات و انسان‌ها را با هر اقلیم نشان می‌دهیم.

برای اقلیم، مثلاً برخی سرزمین‌ها بیابانی هستند که می‌تواند کویر باشد یا تُنک که گیاهانی دارد، برخی سرزمین‌ها کوهستانی هستند، برخی دشتند، کنار دریا، برخی جاها گرم و خشکند، سرد و مرطوبند و ...

برای هماهنگی موجودات با اقلیم‌ها مثلا اینکه انسان‌ها برای زندگی در قطب چگونه

خود را سازگار می‌کنند، می‌توان فیلم‌هایی از زندگی در قطب را نشان داد که یخ را سوراخ می‌کنند و از توی آن شکار می‌کنند و خانه‌های یخی می‌سازند، نشان داد و یا در سرزمین‌های کویری و کم آب، چگونه خود را با محیط تطبیق می‌دهند. هم انسان‌ها و هم گیاهان و حیوانات چگونه خود را با اقلیم سازگار می‌کنند. هر گیاه چگونه طبق آب و هوای خاصی که در آن رشد می‌کند، خود را سازگاری می‌دهد مثلا برخی گیاهان در کوه در می‌آیند، برخی در سرما رشد می‌کنند، برخی در گرما.

پایه سوم

شناخت عجائب آفرینش انسان به عنوان یکی از پدیده‌های خلقت

برای آموزش سوره مبارکه تین در این پایه، روی انسان و عجایب خلق انسان که باعث سازگاری‌اش با محیط می‌شود، تمرکز می‌کنیم، راجع به خلقت زیبا و هماهنگ اعضای بدن با هم صحبت می‌کنیم؛ اینکه هر کدام از اعضای بدن چقدر متناسب در جای خود قرار گرفته‌اند و در ارتباط با یکدیگر چه هماهنگی درست و خوبی دارند. در واقع می‌خواهیم در حد دانش آموز ۹-۱۰ ساله، خلق فی احسن تقویم را بگوییم. اینکه چقدر انسان خوشگل خلق شده، دو پا دارد، سرش بالا قرار گرفته، چشم‌هایش قسمت بالای سر هست، دست‌ها و پاها و محل قرار گیریشان و کارکردهایشان...

نکته خانم سیفی

نمایشگاه عکس تکی بچه‌ها به عنوان احسن تقویم برایشان جالب هست.

پایه چهارم

توجه به اهمیت وحی و احکام الهی برای سازگاری انسان با شرایط زندگی و رسیدن به پایداری

در این پایه چون انتزاع بچه‌ها بیشتر رشد کرده، ذهن آنها را به سمت احکام و مسائل شرعی سوق می‌دهیم. به آنها می‌گوییم آن چیزی که باعث می‌شود انسان خودش را به هماهنگی کامل با اقلیم و چیزهای دیگر برساند، وحی است. دین و احکام الهی را خداوند از طریق پیامبر(ص) در اختیار انسان قرار داده است که می‌تواند انسان را به رشد برساند. انسان‌ها خیلی امکانات و نعمت‌های درونی و بیرونی دارند و در احسن تقویم هستند ولی اگر آن برنامه نباشد، انسان به مقصدش نمی‌تواند برسد. در واقع آنچه سبب سازگاری انسان با محیط و پایداری او می‌شود، وحی و احکامی است که خداوند از طریق پیامبر(ص) به انسان رسانده است. در صورت عدم رعایت این قوانین و احکام، سازگاری انسان با محیط صورت نمی‌گیرد و یا میزان آن کاهش می‌یابد.

پایه پنجم

آشنایی با نعمت‌های مادی و معنوی برای بهبود وضعیت زندگی و رسیدن به پایداری

برای آموزش سوره تین در این پایه، بچه‌ها را به سمت نعمت‌ها سوق می‌دهیم. به بچه‌ها می‌گوییم برای اینکه انسان بتواند به پایداری و سازگاری برسد، باید از نعمت‌هایش به خوبی استفاده کند. آنچه در پایه اول گفتیم هرچیزی خاصیتی دارد و در پایه دوم بحث اقلیم‌ها را مطرح کردیم، حالا اینها را به عنوان نعمت بیان می‌کنیم. نعمت‌های مادی و معنوی را به آنان نشان می‌دهیم تا آنها را بهتر بشناسند، مثلاً طعام انسان، محیط‌های زندگی انسان، توانایی‌های فیزیکی یا استعداد‌های انسان نعمت‌های مادی انسان است ولی دینی که در اختیار انسان قرار گرفته، مهربانی مادر، دعا و ارتباط با خدا، نعمت معنوی هست.

پایه پنجم به گونه‌ای جمع بندی همه پایه‌های قبل است و جمع همه نعمت‌هایی که در مراحل قبلی بیان شد، به عنوان نعمت‌های مادی و معنوی انسان بیان می‌کنیم و اینکه انسان با استفاده از این نعمت‌ها می‌تواند زندگی‌اش را بهبود ببخشد و به آن قوام و پایداری برسد.

استفاده از الگوهای طبیعی یا عقلی و شرعی برای تغییر وضعیت زندگی و رسیدن به حالت سازگار و

پایدار

در این پایه بچه‌ها باید یاد بگیرند که می‌توانند الگوگیری بکنند. یعنی در راستای رسیدن به آن قوام می‌توانند از طبیعت الگو بگیرند مثلاً از پرواز پرندگان، از طرز چیدمان برگ‌ها الگو بگیرند و کاری را انجام دهند. برگ‌هایی که روی شاخه قرار می‌گیرند، جوری قرار می‌گیرند که به مرکز آبرسانی نزدیک باشند، براساس این می‌توانیم چیدمانی را در کلاس طراحی کنیم. ممکن است الگوگیری از احکام عقلی و شرعی باشد و با بهره‌گیری از این احکام زندگی خود را بهبود بخشیم.

در واقع پایه ششم می‌رود روی عملیاتی کردن بهبود سبک زندگی با الگوگیری از طبیعت و احکام الهی در راستای رسیدن به سمت قوام و پایداری.

در هر پایه باید حواسمان باشد که در مورد کجای سوره صحبت می‌کنیم.

سوالات

می‌توان دوخت لباس توسط حضرت ادریس را برای بچه‌ها مثال زد؟

بله این مثال از زندگی انبیاست. اتفاقاتی که در بشر افتاده، انسان مدیون دانشمندان نیست، به ما دروغ گفتند، ما مدیون انبیا هستیم. ولی خوب است نمونه‌هایی از زندگی حاضر هم به بچه‌ها نشان دهیم. به صورت عینی تر به بچه‌ها نشان دهیم که ما الان هم بخواهیم زندگی خوبی داشته باشیم، با دین و برنامه‌های الهی ممکن است.

یک نمونه از پایداری در سطح بچه‌های چهارم تا ششم بفرمایید.

منظور ما از پایداری، یعنی به رشد رسیدن، برای بچه‌های دبستانی موفق شدن است، به نتیجه رسیدن است، رسیدن به جایی که آدم از پس خودش بر بیاید و بتواند روی پاهای خودش بایستد، به قیام در بیاید.

مثلا پایداری در اخلاق یعنی مثلا من تصمیم می‌گیرم که با مادرم قشنگ صحبت کنیم، از این به بعد قشنگ صحبت می‌کنم، دیگر شل و سفت نداشته باشم، اینجور نباشد عصبانی شدم سر مادرم داد بزنم. همیشه مهربان، همیشه خوش اخلاق.

مثلا موفقیت در تحصیل. من به قیام در می‌ایم و به نتیجه می‌رسم.

بعدها که بزرگتر می‌شوند می‌توانند اتفاقات بزرگتری را رقم بزنند.

خاطره سرکار خانم سیفی

یک دانش آموز ویژه‌ای دارم به نام ریحانه پور پاکار، این اسم و فامیلش هم برای من ماندگار شد، دختری هست که پای کار هست، پور هم یعنی فرزند، فرزند پای کار است، ریحانه هم که خوشبو است. قبلا که پایه سوم به بچه‌ها یاد دادم، گفتم حالا بچه‌ها شما هر کدامتان در چه چیزی ماندگار هستید؟ ماندگار یک جوری هست که همه باید تصدیق کنند شما آن جوری هستید. هر کس یک چیز از خودش مثال زد. بعد گفتم حالا در کلاس یک ماندگاری مثال بزنید، مثلا ماندگاری در اخلاق یک مرتبه همه یک صدا گفتند ریحانه پور پاکار. آن روز من متوجه غیبتش نشده بودم. گفتم او که غایب است شما چجوری یادش هستید؟ گفتند خوب ماندگار است دیگر، آنقدر که اخلاقی خوب است. بعد هر کس از خوبی‌های او گفت. برای خودم با این صحنه، مفهوم ماندگاری جلوه کرد.

اللهم صل علی محمد وال محمد و عجل فرجهم